

مہربان ترین مہربانان



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد سپاس خداوند مهربان و رحیم و درود و صلوات بر آخرین پیامبرش حضرت محمد مصطفی و اهل بیت پاک و طاهرینش.

خداوند دارای نامهای فراوانی است که مجموعه‌ای از بیش از ۲۰۰ نام خداوند است که در قرآن ذکر شده‌اند و اصطلاحاً، ۹۹ تای آن «اسماء الحسنی» یا نامهای نیکوی خداوند خوانده می‌شوند. هر چند که تعداد نامهای خدا، شامل صفت‌ها و کلمه‌های مرکب، در قرآن و سنت از ۹۹ عدد خیلی بیشتر هستند، ولی مسلمانان اعتقاد دارند که گروه برگزیده‌ای از

نام‌ها (نام‌های نیکو)، تعدادشان ۹۹ عدد است

و در دعای جوشن کبیر به هزار اسم مقدس خداوند اشاره شده است.

اما اگر سوال شود از میان نامهای خداوند کدامیک بیشتر آمده و خدا در قرآن آن را ذکر کرده است؟ جواب می دهید الرحمن الرحیم

یعنی بخشنده و مهربان. که در بسم الله هر سوره ای آمده است.

و اگر سوال شود در دعاها به کدامیک از اسامی خدا بیشتر اشاره شده است؟ جواب می دهیم ارحم الراحمین. که معمولا در اخر دعاها می گوئیم برحمتک یا ارحم الراحمین در سوره حمد هم که ام الكتاب و مادر قرآن است دوبار آمده است. الرحمن الرحیم یکی در بسم الله و یکی هم در ایه سوم.

لذا تصمیم گرفتیم که درباره مهربانی خدا مطالبی را خدمت
خوانندگان گرامی عرضه بداریم امید است که خداوند
مهربان، به ما رحم فرماید و ما را مورد رحمت گسترده خود
قرار دهد.

کرمانشاه-تابستان ۹۶

ای مهربان ترین مهربانان

اگر ما تا آخر عمر شکر خدا کنیم که خدای ما و خالق ما و مالک ما، مهربان ترین مهربانان عالم است نمی توانیم از عهده شکر او به دراییم.

همه مردم مهربانی را دوست دارند مخصوصا از کسی که همه کاره عالم هستی است. و این خیلی عالی و خوب است که خدای ما خیلی مهربان هست. برای همین خیلی دوست داشتنی است.

مهربانی خدا هیچ محدودیت ندارد برعکس ما مردم که در مهربانی به هم خیلی محدود هستیم و اگر دوست ما چند بار به ما بدی کرد دیگه او را نمی بخشیم ولی خداوند مهربان، هزار بار و بیشتر هم که به او بدی کنیم باز با ما مهربان است.

اما نشانه های مهربانی خداوند مهربان:

۱- خدای مهربان به هیچ کس ظلم نمی کند

چون معمولا کسی که قدرت دارد، خشونت دارد، ظلم و ستم می کند همانند پادشاهان و حاکمان و فرعون ها و نمرود ها و سلسله های پادشاهی در ایران و در کشورهای دیگر و شورای امنیت و امریکا و اروپا و آب سعود و ال خلیفه ..

اما تنها خداوند سبحان است که با اینکه بر هر چیزی قادر است و همه قدرتها مقهور او هستند ولی ذره ای ستم به کسی نمی کند.

و بعد از خداوند، نمایندگان او یعنی پیامبران و امامان و ملائکه هستند که آنها هم ذره ای ظلم و ستم نکرده و نمی کنند.

۲- خدای مهربان عذر هر کسی که گناه کند می پذیرد یکی از نشانه های مهربانی خداوند این است که توبه پذیر است.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (۲۱)

من خدائی را می پرستم که توبه کنندگان و پاکدامنان را دوست دارد .

«فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (۲)

آدم علیه السلام از خدا کلماتی را فرا گرفت . و با آنها توبه کرد و توبه/اش پذیرفته شد

«وَأَسْتَغْفِرُكُمْ رَبُّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (۳)

از خدایتان درخواست آمرزش کرده و بسوی او توبه کنید که خدایم مهربان و بنده نواز است .

سوره بقره: آیه ۲۲۲.

1

۳۷^۲قره

۹۰^۳سوره هود، آیه

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است . سپس

فرمود: یکسال زیاد است . کسی که یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است . سپس فرمود یکماه زیاد است ! اگر یک هفته بلکه یک روز و بلکه یکساعت قبل از مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می شود .»^(۴)

توبه کسی که صدنفر را کشته بود !

در زمان قدیم شخصی در جنگهای مختلفی که با قبیله مقابل انجام داد افرادی را بقتل رساند . روزی باخود حساب کرد و دید تا آنروز ۹۹ نفر به دست او کشته شده اند . او تصمیم به توبه گرفت . لذا از مردم پرسید که کجا می توان توبه کرد؟ او را به خانه عابدی که درکوه زندگی می کرد هدایت کردند . او عابد را پیدا کرد و گفت: من تاکنون ۹۹ نفر را کشته ام . آیا برای من توبه است؟ عابد گفت: خیر زیرا گناه تو بسیار

^۴المیزان ج ۴ ص ۳۹۷

سنگین و غیر قابل بخشش می باشد و تو جهنمی هستی ! او ناراحت شد و گفت: حال که مرا مأیوس کردی، تو را هم می کشم ! و عابد را هم بقتل رساند . سپس بشهر آمد و پرسید: دیگر کجا می توان توبه نمود؟ گفتند: خانه عالم در فلان محل است به آنجا برو شاید تو را کمک کند . او بدرخانه عالم رفت و وقتی او را دید داستان خود را تعریف کرد . عالم گفت: برای تو توبه است ولی چون گناهت بسیار بزرگ است باید به فلان شهر بروی و به دست فلان پیامبر توبه کنی ! او از عالم تشکر کرد و بار سفر را بست . دربین راه اجل او رسید و از دنیا رفت . هرگاه شخصی بمیرد اگر از خوبان باشد دو فرشته رحمت روح او را بالا می برند و اگر از بدان باشد دو فرشته غضب روحش را می برند . این مرد که مُرد هم فرشتگان رحمت آمدند و هم فرشتگان غضب و این دو باهم نزاع کردند . فرشتگان رحمت گفتند ما باید روحش را بالا ببریم زیرا او در راه توبه بوده است ! و فرشتگان غضب گفتند ما باید روحش را ببریم زیرا او ۱۰۰ نفر را کشته و هنوز توبه نکرده است . حکمیت نزد خدا بردند . خداوند سبحان وحی کرد که

بینید به پیامبر نزدیکتر است یا به محل کشته شده‌ها! اندازه گرفتند و دیدند که به پیامبر نزدیکتر است! لذا فرشتگان رحمت، روحش را بالا بردند.^۵

گفتم: خدایا خسته‌ام.

گفتی: لا تقنطوا من رحمه الله

::: از رحمت خدا نا امید نشید (زمر/۵۳) :::

گفتم: هیشکی نمی‌دونه تو دلم چی می‌گذره.

گفتی: ان الله يحول بين المرء و قلبه

::: خدا حائل هست بین انسان و قلبش! (انفال/۲۴) :::

گفتم: غیر از تو کسی رو ندارم.

گفتی: نحن اقرب اليه من حبل الوريد

^۵ معارف قرآن اهل بیت ع

... ما از رگ گردن به انسان نزدیک‌تریم (ق/۱۶) ::

گفتم: ولی انگار اصلاً منو فراموش کردی!

گفتی: فاذاکرونی اذکرکم

... منو یاد کنید تا یاد شما باشم (بقره/۱۵۲) ::

گفتم: تا کی باید صبر کرد؟

گفتی: و ما یدریک لعل الساعة تکون قریبا

... تو چه می‌دونی! شاید موعدش نزدیک باشه (احزاب/۶۳)

...

گفتم: تو خدایی و صبور! من بنده‌ات هستم و ظرف صبرم

کوچیک... یه

اشاره کنی تمومه!

گفتی: عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم

... شاید چیزی که تو دوست داری، به صلاحیت نباشه

(بقره/۲۱۶) ::

گفتم: دلم گرفته.

گفتی: بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا
:: (مردم به چی دلخوش کردن؟! باید به فضل و رحمت خدا
شاد باشن
(یونس/ ۵۸) ::

گفتم: دوست دارم منو ببخشی.
گفتی: و استغفروا ربکم ثم توبوا الیه
:: پس از خدا بخواید ببخشدتون و بعد توبه کنید (هود/ ۹۰)
::

گفتم: یعنی بازم گناه کنم، پیام؟ بازم منو میبخشی؟
گفتی: و من یغفر الذنوب الا الله
:: به جز خدا کیه که گناهان رو ببخشه؟ (آل عمران/ ۱۳۵)
::

گفتم: الهی و ربی من لی غیرک

گفتی: ایس الله بكاف عبده

::: خدا برای بنده اش کافی نیست؟ (زمر/۳۶) :::

گفتم: در برابر این همه مهربونیت چیکار می تونم بکنم؟

گفتی: یا ایها الذین آمنوا اذكروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه

بکره و اصیلا هو

الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمت الی النور

و کان

بالمؤمنین رحیما

::: ای مؤمنین! خدا رو زیاد یاد کنید و صبح و شب تسبیحش

کنید. او کسی

هست که خودش و فرشته هاش بر شما درود و رحمت

می فرستن تا شما رو

از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون بیارن. خدا نسبت به

مؤمنین مهربونه

(احزاب/۴۲-۴۳) :::

حکایت است پادشاهی از وزیرش که آدم خدا پرستی بود

پرسید:

بگو خداوندی که تو می پرستی چه می خورد، چه می پوشد، و
چه کار

می کند... اگر تا فردا جوابم نگویی عزل می گردی!!!

وزیر سر در گریبان، به خانه رفت ...

وی را غلامی بود؛ وقتی او را در این حال بدید پرسید که او را
چه شده؟

و او حکایت را آنچنان که بر او رفته بود بازگو کرد.

غلام خندید و گفت: ای وزیر عزیز، این سوال که جوابی
آسان دارد.

وزیر با تعجب گفت: یعنی تو آن میدانی؟ پس برایم بازگو ؛
اول آنکه خدا

چه میخورد؟

غلام پاسخ گفت: غم بندگان را، بدین صورت که میفرماید:
من شما را برای

بهشت و قرب (نزدیکی) خود آفریدم. چرا دوزخ را برمی
گزینید؟

- آفرین غلام دانا. و آنگاه پرسید: خدا چه می پوشد؟

رازها و گناهان بندگان را.

وزیر که خیلی خوشش آمده بود گفت: مرحبا ای غلام
تیزهوش ...

و سومین را پرسید.

غلام گفت: برای سومین پاسخ، باید کاری کنی، که کمی برات
سخت است!

ردای وزارت را بر من بپوشانی، ردای مرا بپوشی، مرا بر
اسب سوار کرده و

افسار به دست، به درگاه شاه ببری تا پاسخ را باز گویم.

وزیر که چاره ای دیگر نمی دید قبول کرد و آنها با آن حال
به دربار حاضر
شدند. پادشاه با تعجب از این وضعیت، پرسید...
و غلام حاضر جواب، پاسخ داد: که این همان کار خداست ای
شاه، که وزیری
را در خلعت غلام، و غلامی را در خلعت وزیری حاضر نماید.
پادشاه از درایت غلام، خشنود شد و بسیار پاداشش داد و او
را وزیر دست
راست خود نمود!!!.

شدت مهر خدا

حضرت یعقوب علیه السلام به یوسف بسیار علاقه داشت
.چهل سال در فراغ یوسف گریه کرد و و چشمش کور شد
.قدش خمیده گشت و موهایش سفید شد **در روایت آمده**
است که هفتاد برابر یک پدر معمولی به یوسف علاقه
داشت اما خداوند متعال هفتاد برابر علاقه یعقوب علیه
السلام به یوسف به بندگانش علاقه دارد و نسبت به آنان
مهربان تر است خیلی عجیب است وقتی حضرت موسی

وهارون می خواهند به نزد فرعون بروند خداوند می فرماید:
 با نرمی و ملایمت با فرعون صحبت کنید شاید برگردد
 و متذکر شود یا بترسد. (سوره طه آیه ۴۴)
 در علل الشرایع صفحه ۵۸ آمده است که زمانی آب رود نیل
 کم شد. مردم آمدند و به فرعون گفتند: مگر تو خدای
 مانستی ؟ گفت :
 بله. گفتند: پس آب رود نیل را زیاد کن. آب زراعتان کم
 شده است .
 گفت بسیار خوب فردا زیادش می کنم. خودش می دانست
 که هیچ کاره است. دستش خالی است. شب هنگام لباس
 فرعونی را بیرون آورد. خودش را روی خاک ها انداخت و
 گفت: خدایا آبروی ما را نبر خدایی ما به خطر افتاده
 است. آن قدر آه و ناله کرد تا خدا دعایش را مستجاب کرد.
 و آب رود نیل زیاد شد. فرعون در باطن به خدا ایمان داشت
 ولی اظهار نمی کرد. روایاتی که درباره فرعون است بسیار
 عجیب است لطف و مهربانی خدا رانسبت به بندگانش می
 رساند امام هشتم علیه السلام فرمودند: فرعون وقتی داشت
 غرق می شد به حضرت موسی استغاثه کرد . مرتب التماس

می کرد حضرت موسی علیه السلام هم گفت : باید غرق بشوی و غرق شد. موسی علیه السلام شب برای مناجات به درگاه خدا آمد اما خداوند گفت: چرا جواب فرعون را ندادی؟؟؟؟ ای موسی تو فرعون را اجابت نکردی چون او را خلق نکردی. اگر به من استغاثه کرده بود او را اجابت می کردم .

و شبیه همین داستان در مورد قارون آمده است . و یک حدیث ی زیبا از امام جعفر صادق علیه السلام است که می فرماید زمانی که نوح بر قومش نفرین کرد خداوند تا ۴۰ سال تمام زنان را عقیم کرد تا کودکی متولد نشود .

الله اکبر الله اکبر به مهربانی خدا آن قدر مهربان است که تمام سوره های قرآن با جمله زیبای

بسم الله الرحمن الرحيم شروع شده است . فقط یک سوره که براءت از مشرکین بوده (سوره توبه) که بسم الله الرحمن الرحيم ندارد ولی خدای مهربان به جای آن در سوره نمل

دو مرتبه

بسم الله الرحمن الرحيم را آورده است .

ما چه قدر ما خانواده با همسایگان با پدر و مادر وبا ...

مهربانیم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

۳- سومین جلوه مهربانی خدا این است که اجازه می دهد
درمقابلش نماز بخوانیم و هر موقع دوست داشتیم با او حرف
بزنیم. ■

. خدا: بنده ی من نماز شب بخوان و آن یازده رکعت است

. بنده: خدایا! خسته ام، نمی توانم

خدا: بنده ی من، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر
بخوان

بنده: خدایا! خسته ام برایم مشکل است نیمه شب بیدار
شوم

. خدا: بنده ی من قبل از خواب این سه رکعت را بخوان

. بنده: خدایا! سه رکعت زیاد است

. خدا : بنده ی من فقط یک رکعت نماز وتر بخوان

بنده : خدایا ! امروز خیلی خسته ام ! آیا راه دیگری ندارد ؟

خدا : بنده من قبل از خواب وضو بگیر و رو به آسمان کن و
. بگو یا الله

بنده : خدایا ! در رختخواب هستم اگر بلند شوم خواب از
! سرم می پرد

خدا : بنده ی من همانجا که دراز کشیده ای تیمم کن و بگو یا
. الله

بنده : خدایا ! هوا سرد است ! نمیتوانم دستانم را از زیر پتو
. در بیاورم

خدا : بنده ی من در دلت بگو یا الله ما نماز شب برای
. حساب میکنیم

. بنده اعتنایی نمی کند و می خوابد

خدا : ملائکه ی من ! ببینید من آنقدر ساده گرفته ام اما او خوابیده است چیزی به اذان صبح نمانده ، او را بیدار کنید . دلم برایش تنگ شده است امشب با من حرف نزده

. ملائکه : خداوندا ! دوباره او را بیدار کردیم ، اما باز خوابید

خدا : ملائکه ی من در گوشش بگویید پروردگارت منتظر . توست

! ملائکه : پروردگارا ! باز هم بیدار نمی شود

خدا : اذان صبح را می گویند هنگام طلوع آفتاب است ای بنده ی من بیدار شو نماز صبحت قضا می شود خورشید از مشرق سر بر می آورد

ملائکه : خداوندا ! نمی خواهی با او قهر کنی ؟

... خدا : او جز من کسی را ندارد ... شاید توبه کرد

بنده ی من تو به هنگامی که به نماز می ایستی من آنچنان
گوش فرا میدهم که انگار همین یک بنده را دارم و تو چنان
غافلی که گویا صد ها خدا داری
۴- چهارمین جلوه مهربانی این است که مهر فرزند را در دل
مادر قرار داده است.

اوج مهر خدا به بندگان

در یکی از جنگها که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در
آن شرکت داشت ، تابستان بود و هوا بسیار گرم ، کودکی از
خانه بیرون آمده بود و در بیابان در برابر تابش شدید آفتاب
، بر اثر گرمای بسیار، سخت می گریست ، مادرش (که گویا
برای کمک به رزمندگان آمده بود) در میان آنها بود، ناگهان
به یاد بچه اش افتاد و به اطراف نگاه کرد و او را دید، با
شتاب به سوی او رفت ، او را در آغوش گرفت ، و بعد روی
ریگهای سوزان جزیره العرب خوابید و بچه اش را روی سینه
اش گرفت ، تا از رسیدن شدت گرما به فرزندش بکاهد، و
مادر در این حال گریه می کرد و می گفت :«آخ کودکم ، آخ
کودکم.»

منظره بقدری جانسوز بود که همه حاضران ، بی اختیار گریستند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آنها آمد، آنها جریان را به آن حضرت ، عرض کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله مهر و دلسوزی آنها را ستود، و از اینکه اظهار دلسوزی کردند، خوشحال شد، سپس به آنها فرمود: «آیا شما از محبت و مهر شدید این مادر نسبت به فرزندش ، تعجب می کنید؟ عرض کردند: آری . فرمود: «حتما بدانید خداوند متعال به همه شما مهربانتر است از این زن ، نسبت به فرزندش .» مسلمانان از این بشارت ، بسیار شاد شدند و سپس دنبال کار خود رفتند.[۶]

من به بندگانم مهربانتر از مادر هستم

جوانی بسیار مغرور و از خود راضی بود، همواره مادرش را رنج می داد، بی مهری او به مادر به جائی رسید که روزی مادرش را که بر اثر پیری و ضعف ، توان راه رفتن نداشت ، به کول گرفت و بالای کوه بُرد و در آنجا گذاشت ، تا طعمه

⁶. صحیح مسلم : ج ۸، ص ۹۷

درندگان بیابان شود، هنگامی که مادر را در آنجا گذاشت و از بالای کوه سرازیر شد تا به خانه باز گردد، مادرش در این فکر افتاد مبادا پسرش در مسیر پرتگاه کوه بیفتد و بدنش خراش بردارد و یا طعمه درندگان گردد! برای پسرش چنین دعا کرد:

خدایا! پسرش را از طعمه درندگان و از گزند حوادث حفظ کن ، تا به سلامت به خانه اش بازگردد .
از سوی خداوند به موسی علیه السلام خطاب شد! ای موسی !
به آن کوه برو و منظره مهر مادری را ببین .

ببین مهر مادر چه ها می کند جفا دیده اما دعا می کند

موسی علیه السلام به آنجا رفت ، وقتی مهر مادری را دریافت ، احساساتش به جوش و خروش آمد، که به راستی مادر چقدر مهربان است ولی به زودی خداوند به او وحی کرد که: ای موسی ! من به بندگانم مهربانتر از مادر هستم. [۷]

پیامبر گریه کرد

⁷ سرگذشت‌های عبرت انگیز: ص ۲۵۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر زنیکه آتش تنور روشن کرده بود و نان می پخت گذشتند. این زن طفلی داشت که پهلوی خود نشانیده بود.

همینکه چشمش به آن حضرت افتاد عرض کرد : یا رسول الله شنیده ام که شما فرموده اید: **ان الله ارحم بعبده من**

الوالده بولدها

یعنی خداوند مهربان تر است به بنده خود از مادر نسبت به فرزند خود. آیا راست است؟ گفت: بلی.

زن عرض کرد: مادر طفل خود را در این تنور نمی اندازد خدا چگونه بنده خود را به جهنم می برد؟

فبکی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و قال:

ان الله لا يعذب بالنار الا من انف ان يقول لا اله الا الله

پس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) (بنا کرد گریه کردن و فرمود:

خدا به آتش کسی را عذاب نمی کند مگر اینکه از گفتن **لا**

اله الا الله پرهیز کند، یعنی تکبر کند.

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَ لَهُمْ «
 الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا» (الكهف، ۵۸)
 ترجمه: پروردگارت آمرزگار رحیم است، اگر آنان را به
 اعمالی که کرده‌اند مؤاخذه می‌کرد، در عذابشان تعجیل
 می‌کرد (چنین نیست) بلکه موعدی دارند که هرگز در قبال
 آن گریزگاهی نیابند.

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ
 الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ تَكُمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا
 أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (الأنعام، ۱۲)

ترجمه: بگو: آنچه در آسمان و زمین است از آن کیست؟
 بگو: از آن خداست که رحمت را بر خود واجب کرده است.
 البته روز قیامت [که] در آن شک نیست شما را گرد آورد.
 کسانی که ایمان نمی‌آورند بر خویشتن زیان می‌زنند

۵- خدای مهربان انقدر مهربان است که وقتی به نفر به
 حیوانی مهربانی می‌کند خدا به اون فرد چقدر جوایز فراوان
 می‌دهد

محمدباقر شفتی اصفهانی طلبه فقیری بود. روزی...

این عالم زمانی که در نجف زندگی می کرد فقیر بود در یکی از روزها در همان دوران ایشان که پس از مدت ها فقر پول کمی به دست آورد و با آن پول مقداری گوشت خرید در راه خانه ایشان سگی را دیدند که خیلی لاغر بود و بی حال روی زمین بود و چندین توله داشت که از مادرشان شیر می خوردند. او با دیدن این صحنه در یک لحظه تمامی گوشت را جلوی سگ انداخت و سگ پس از خوردن گوشت با گوشه چشم از او تشکر کرد. از آن به بعد خداوند چنان ثروتی و قدرتی به او داد که حکومت قاجار بدون اجازه ایشان کاری در اصفهان نمی توانست انجام دهد^۸

امام حسن مجتبی ع دید غلامی به سگش غذا می دهد...

۶- وقتی انسان تنها می شود و همه فامیل و دوستان و خانواده او را تنها می گذارند این خداوند مهربان است که حامی انسان و رفیق ادمی و کمک کننده به انسان است.

^۸ کتاب صد و یک حکایت، عباسعلی کامرانیان، صفحه ۱۵۸

۷- خداوند مهربان در قرآن دستور داده علاوه بر اینکه عادل باشید، در مقابل بدی دیگران، خوبی کنید.

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآَنَفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عِزِّي الدَّارِ²²

و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش می گیرند و نماز به پا می دارند و از آنچه نصیبشان کردیم پنهان و آشکار انفاق می کنند و در عوض بدیهای مردم نیکی می کنند، اینان هستند . که عاقبت منزلگاه نیکو یابند^{۱۰}

در دعای " مکارم الاخلاق " تعبیرات عجیبی هست: خدایا به من توفیق بده آن کسی که به من فحش می دهد من به او حرف خوب بگویم، آن کسی که قطع رحم می کند من در مقابل صله رحم کنم، آن کسی که پشت سر من بد گوئی می کند من پشت سرش خوب بگویم

⁹رعد ۲۲

¹⁰ترجمه فولادوند

خواجه عبد الله انصاری هم تعبیر شیرینی دارد، می گوید
 بدی را بدی کردن سگساری است (کار سگها هم چنین
 است. یک سگ، سگ دیگر را گاز می گیرد، او هم گاز می
 گیرد. اگر کسی به انسان بدی کرد و او هم بدی را با بدی
 جواب داد، هنری که کرده، کار سگها را انجام داده است. اگر
 انسان سگی را بزند فوراً بر می گردد و پای او را می گیرد).
 خوبی را خوبی کردن، خرخاری است (یعنی اگر کسی به
 آدم خوبی کند و در مقابل خوبی او خوبی کند خیلی هنر
 نکرده است. یک الاغی می آید شانه الاغ دیگر را با دندانش
 می خاراند، او هم فوراً شانه این را می خاراند. این مقدار را که
 خوبی را باید با خوبی جواب داد و در مقابل خوبی باید خوبی
 کرد الاغ هم می فهمد)، اما بدی را نیکی کردن (در مقابل
 بدی خوبی کردن) کار خواجه عبد الله انصاری است؛^{۱۱}

۸- خدای مهربان اگر بنده اش توبه کرد، همه اعمال بدش را
 تبدیل به ثواب می کند. مثلاً وقتی بنده ای همه عمر گناه کرد

^{۱۱} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۶، ص: ۴۲۸

اِنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ آيَا دُوسْت نَدَارِيدْ كِه خُدا شُما رَا بِيامرزد؟
(چه تعبیر عجیبی است!) ای بشرها، از گناه یکدیگر بگذرید،
زیرا خودتان گنهکارید و امید دارید خدا از گناهان شما
بگذرد، آنچه را که انتظار دارید خدا درباره شما رفتار کند
درباره بندگان خدا رفتار کنید؛ سخت گیر نباشید، تا ممکن
است گنهکاران را از راه خوبی کردن معالجه کنید؛^{۱۲}

:حدیث

قال رسول الله (ص): صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ وَ أَحْسَنِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ
قُلِ الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ^{۱۳}

پیامبر اکرم (ص): میفرمایند: با هر کس که از تو برید
پیوند گیر، نیکی کن به کسی که به تو بدی کرد و حرف حق را
بگو اگر چه به زیان تو باشد.

^{۱۲} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۶، ص: ۴۲۸
من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷

^{۱۳} ل

وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا
:34الَّذِي يَبْنِيكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

نیکی و بدی یکسان نیست (بدی را با نیکی) و با آنچه خود
بهتر است دفع کن، پس ناگاه (خواهی دید) همان کسی که
میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی
است^{۱۴}

نیکی در برابر بدی

از جمله خصلتهای متعالی و عالیترین تجلیات روح
انسانی، نیکی در برابر بدی میباشد. صفتی برتر و بالاتر از عفو
و گذشت که همواره در آیات و روایات معصومین (علیهم
السلام) مورد تأکید قرار گرفته است. اثر شگفت انگیز و
معجزه آسای این کرامت اخلاقی نا آنجاست که سحت ترین
دل ها را میتوان به وسیله ی این صفت تحت تأثیر قرار
دارد. نیکی در برابر بدی های دیگران باعث میشود فرد
خطاکار، خود را به خاطره سوء رفتارش مورد ملامت و

سوره فصلت، آیه ۳۴

سرزنش وجدان قرار دهد. سیره ی عملی اولیای الهی در طول حیات پر برکتشان، همواره این گونه بوده که افرادی که نسبت با آنان مرتکب خطا و سوء رفتار میشدند، نه تنها از ناحیه ی آن حضرات عکس العمل متقابلی مشاهده نمیکردند، بلکه مشمول محبت و رافت بی دریغ آن بزرگواران میشدند در حالی که قدرت برای انتقام در اکثر موارد فراهم بوده است.

داستان:

مرد شامی و امام حسن مجتبی(ع)

روزی امام حسن مجتبی(ع) از راهی عبور میکردند. مرد شامی، متأثر از تبلیغات مسموم معاویه، وقتی با حضرت روبرو شد، با گفتن سخنان ناروا به آن مظلوم، جسارت فراوان کرد.

امام حسن (ع) بدون اینکه این که به گفتهای ناشایست او اعتنا کنند به سوی آن مرد رفت و با تبسم به او فرمودند: گمان میکنم در این شهر غریب هستی و دچار اشتباه شدی! اگر رخواست رضایت نمایی از تو خشنود میشوم، چنانچه تقاضای کمک کنی از تو دریغ نخواهم کرد، اگر

راه گم کرده ای نشانت میدهم و چناچه وسائل سنگینی داشته باشی اسباب و اثاثیه ات را به منزل میرسانم و اگر گرسنه ای تو را سیر میکنم. آن مرد با دیدن این کردار کریمانه گریست و گفت: شهادت میدهم که تو خلیفه ی خدا بر روی زمین هستی و خدا بهتر میداند که رسالتش را در کجا قرار دهد. تو و پدرت مبعوض ترین مردم نزد من بودید اینک محبوب ترین خلق در نظرم هستید. از آن پس مرد شامی در زمره ی معتقدان به ولایت آن امام مظلوم (ع) قرار گرفت.^{۱۵}

سوال: اگر خدا مهربان ترین است پس چرا جهنم را خلق کرده است؟

جواب: طبق آیات و روایات، هر نوع عذابی که در جهنم است چهره باطنی گناهی است که ادمی مرتکب شده است. و خدا عذابی جدایی از عکس العمل اعمال ما ندارد.

¹⁵ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ ۖ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤ سجده﴾

پس [به آنان می گوئیم:] در برابر این که لقای امروزتان را
[که روز قیامت است با بی اعتنایی] وا گذاشتید، [عذاب
دردآوری را] بچشید که ما هم شما را [محروم از رحمت خود]
وامی گذاریم، و به کیفر اعمالی که همواره انجام می دادید
﴿١٤﴾! عذاب جاودانه را بچشید.

در این ایه شریفه می خواهد اعلام کند که ای انسان!
عمل ها و موضع گیری ها هر کدام، متناسب با خود، عذاب و
کیفر دارند. (فذوقوا بما نسيتم ... ذوقوا ... بما كنتم تعملون)
تکرار «ذوقوا» با ذکر سبب هر کدام از آنها، می تواند بیان
کننده این نکته باشد که هر کدام از عمل ها و نیز
برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را
دارد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^{۱۶}

پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را
!می‌بیند

!و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند

که در این آیات به صراحت آمده است که اعمال برای انسان
مجسم می شود چه کارهای خیر حتی کوچکترین کار و چه
کارهای بد و ناپسندش.

بنابراین اگر شخصی را جهنم ببرند و عذاب کنند این عذاب
همان باطن اعمال بد اوست.

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا
((كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿ال عمران ۲۵﴾)^{۱۷}

پس چه گونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که
شکّی در آن نیست [= روز رستاخیز] جمع کنیم، و به هر

^{۱۶}زلزال ۷-۸

^{۱۷}ال عمران ۲۵

کس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می‌چینند)

اری قیامت روزی است که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند. و خداوند مهربان به کسی ظلم نمی نماید هرگز و ابد و اصلاً.

آیه سیام سوره مبارکه «یونس» می فرماید: (هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ)؛ هرچه که قبلاً در سلف (در دنیا) گذراند الآن امتحان می کند، همان را می آزماید؛ همانی که در دنیا شیرین بود الآن می سوزاند، چون «حفت النار بالشهوات

آیه ۳۳ سوره «سبا» می فرماید: (وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) یعنی اگر جزا عین عمل است و هر کسی عمل خود را می بیند؛ یعنی آن صورت دنیایی عمل را می بیند، وگرنه می شود دنیا (دیگر آخرت و قیامت نخواهد بود)؛ مثلاً اگر کسی رشوه خورد این چنین نیست که در قیامت ببیند که باز همان مال است و

پرونده‌سازی است و رشا و ارتشاست، بلکه آن عمل به حقیقتی درمی‌آید که انسان هیچ تردیدی ندارد، این همان است یعنی صورت باطنی رشوه را که عذاب است می‌بیند.

به عبارت دیگر عمل یک ظاهری دارد و یک باطنی که با دقت در بعضی از آیات مساله تجسم اعمال در او فراهم می‌شود... [از نمونه های این آیات] آیه ۱۰ سوره مبارکه «نساء» است که فرمود: (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا) یعنی باطن اکل مال مردم آتش است؛ نه مال یتیم آتش باشد (غصب آتش است)، وگرنه آن مال را خود یتیم می‌خورد، چون کسب حلال برای اوست این نور خواهد بود و همین مال را وقتی غاصب در کنار سفره مغضوب منه می‌خورد می‌شود نار، این «حرام» است که نار است

فرمود: (فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)^{۱۸}

((پیرهیزید از اتشی که مواد آتش زای ان مردم و سنگ ها هستند.))

که در ایه شریفه صراحت دارد که خود گنهکاران آتش جهنم را تشکیل می دهند نه اینکه خدا آتش جداگانه ای برای عذابشان خلق می کند.

خدا کریم و مهربان است

روزی حضرت امام به من فرمودند: آقای دکتر! عالمی بود که در آخر عمر بیمار شد و کم کم بیماری او شدت گرفت به طوری که دیگر قادر نبود دست و پای خود را حرکت دهد، یکی از شاگردان از او مواظبت می کرد و غذا را در دهان او می گذاشت، عالم، مدام خدا را شکر می کرد و تسبیح می گفت، یک روز شاگرد گفت: آقا، مگر نمی بینید که خدا با شما چه کرده است؟ شما حتی نمی توانید خودتان آب را بردارید و بخورید، عالم گفت: فرزندم خداوند خیلی

مهربان است، من چگونه قادرم شکر او را بگویم؟ او آنقدر کریم و مهربان است که تو را برای مواظبت من مأمور کرده است، آن وقت درمی یابی که من چرا مدام او را شکر می گویم^{۱۹}

۹- از جلوه های مهربانی خداوند این است که از ادمی که فراموش کرده یا نمی دانسته یا مجبور شده تکلیف نمی خواهد.

مثلا اگر فراموش کرد که روزه است و غذا خورد، اشکال ندارد و روزه اش درست است.

در روایتی از امیر المؤمنین (علیه السلام) چنین نقل شده
است:

مِنْ كَمَالِ الْإِيمَانِ مُكَافَأَةُ الْمُسِيِّءِ بِالْإِحْسَانِ^{۲۰}

از [نشانه‌های] کمال ایمان این است که بدی کننده را به نیکی
پاداش دهی.

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ
وَرَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ

عُقُوبَةُ الدَّارِ^{۲۱}

^{۲۰} غرر الحكم، تمیمی آمدی، ج ۹۴۱۳

^{۲۱} رعد ۲۲

و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی

کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم نهان و

آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می زدایند ایشان

راست فرجام خوش سرای باقی .

می گویند در زمان حضرت موسی بر بنی اسرائیل هفت سال قحطی آمد. حضرت موسی(ع) با هفتاد هزار نفر از مردم بنی اسرائیل به بیابان رفتند و دعای نزول باران خواندند. خدای متعال ندا فرستاد که ای موسی چگونه دعای مردمی را که ظلمت گناهان آنها را فرا گرفته و باطنهای ایشان خبیث شده اجابت کنم. موسی مراجعه کن به یکی از بنده های من به نام برخ اسود به او بگو دعا کند تا من اجابت کنم.

موسی سراغ برخ را گرفت مردم نشانی مردی پشیمینه پوس و سیاه چهره را به موسی دادند و موسی(ع) او را پیدا کرد و از او خواست تا دعا کند. برخ این گونه دست به دعا و مناجات: با خدا برداشت

ای خدا مقتضای کردار تو نیست و مقتضای حلم و حکمت تو نه.

نمی دانم چه شده آیا ابرها از فرمان تو سر باز زده اند یا بادهای از اطلعت تو بیرون رفته اند یا بارنهای تو تمام شده؟ یا غضب تو گنهکاران را فرو گرفته. آیا تو آمرزنده نیستی؟

پیش از خلق خطاکاران رحمت خو را خلق کردی و به عفو
امر فرمودی.

آیا شتاب در عذاب می کنی و می ترسی بعد ها قدرت عذاب
نداشته باشی؟

هنوز دعای او تمام نشده بود که باران همه جا را فرا گرفت.
برخ رو به موسی(ع) کرد و گفت دیدی چگونه با خدا مباحثه
کردم. موسی(ع) بر نوع کلام دور از ادب مناجات بنده با خدا
عصبانی شد و قصد او را کرد

ندا آمد ای موسی برخ را رها کن او روزی چندین بار ما را
.....می خنداند

منبع: معراج السعاده